

**بی‌توجهی به آمریکا در مسیر تبدیل به قطب سوم نظم جهانی**

# هند در مسیر تبدیل به قدرت جهانی؟

**سجاد عسازاده**
**مترجم**

مانجاری چترانه میلر، استاد روابط بین الملل دانشگاه تورنتو کانادا و پژوهشگر ارشد شورای روابط خارجی ایالات متحده آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان «هند مسیر خود را خواهد رفت: چگونه یک دهلی نو در حال خیزش، موازنه جهانی قدرت را تغییر خواهد داد» که در وب‌سیاست‌فارن افرنز منتشر شده است، به بررسی خیزش هند به عنوان قطب سوم احتمالی نظم جهانی پرداخته و معتقد است که پشتیبانی فعلی واشنگتن از خیزش دهلی نو ممکن است در آینده به ضرر خود آمریکاً تمام شود و به حاشیه‌ریختن بیش‌تر آن در آسیا راسبب گردد. برای بیش از یک دهه، سیاست آسیایی ایالات متحده معطوف به یک موضوع بوده است؛ ظهور چین. دیدگاه‌های جو بایدن کاملاً مطابق با نظرات باراک اوباما نبود و نگاه این دو جنم تفاوت زیادی با آرای دولت‌ترامپ داشت، اما هر سه آن‌ها نگران اقداماتی بودند که چین، به‌عنوان یک قدرت بزرگ، می‌توانست در این منطقه و دربر انجام دهد. براین اساس، آن‌ها راهبردها و واشنگتن در منطقه هند-آرام را حول مشارکت‌ها و سیاست‌هایی که می‌تواند پاکن را محدود کند، جهت‌دهی کردند. اما چنین تنها قدرت در حال خیزش آسیا نیست. هند نیز یک کشور آسیایی است؛ کشوری مجهز به سلاح هسته‌ای با جمعیت، ارتش و اقتصاد عظیم. به‌علاوه، هند نیز مانند چین به داشتن رفتار ژئومونیک منطقه‌ای شهرت دارد. با این حال، ایالات متحده چندان این احتمال را در نظر نمی‌گیرد که هند ممکن است به چالش‌های خود و واشنگتن تبدیل شود. در عوض، مقامات آمریکایی دست خود را به‌سوی هند، به عنوان یک شریک، دراز کرده و خیزش را نو تشویق کرده‌اند و امیدوار هستند دهلی نو قدرت کافی برای مقابله با پاکن را جمع کند. به نظر می‌رسد آن‌ها تمایل دارند تا هند تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای شود؛ شاید چیزی مشابه یک قطب سوم در نظم جهانی. حقیقت آن است که مقامات آمریکایی باید راهبردی پیچیده‌تری را در نظر بگیرند. دهلی نو در بسیاری از زمینه‌ها از جمله رقابت با پاکن شریک ارزشمندی است؛ اما هند در سیاست جهانی به لحاجت شهرت دارد. رفتار این کشور در صحنه جهانی گاهی حتی کشورهای را که تمایل یا نیاز به ایجاد روابط دوستانه با آن دارند، نگران می‌کند. اگر هند همان‌طور که مقامات آمریکایی امیدوار هستند، توان لازم برای تبدیل به یک نیروی موازنه‌بخش در برابر چین را به دست آورد، احتمالاً در برابر خود آمریکا نیز دست به موازنه خواهد زد. به‌طور خلاصه، جهان سقظی‌با وجود هند به‌عنوان قطب سوم، دست‌واشنگتن پاکن را تقویت نخواهد کرد؛ بلکه به‌ویایی‌های جهانی ناپایداری را ایجاد خواهد کرد.

### راه خود را برآورد

به‌طور معمول، زمانی که کشورها به قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌شوند، بسیاری از هنرها و نهادها در نظم بین‌المللی موجود را به چالش می‌کشند و در نهایت سعی می‌کنند نظم جدید خود را به‌جای خود تحمیل کنند. در نتیجه، هر م‌وزمان موجود اغلب اقداماتی را برای مقابله با جلوگیری از ظهور همتایان جدید برای خود انجام می‌دهند. اما این گزاره در باره هند صدق نمی‌کند. برخلاف چین امروز با اتحاد جماهیر شوروی در گذشته، ایالات متحده هیچ اقدامی برای مهار دهلی نو انجام نمی‌دهد؛ بلکه امیدوار به خیزش هند است و فعلاً نه برای آن تلاش می‌کند؛ دقیقاً مشابه همان اقدامی که طی آن لندن در اوایل قرن بیستم خیزش آمریکا را تسهیل کرد. برای مقامات آمریکایی، این امر به معنای جذب هند به شبکه شرکای نزدیک خود و تبدیل هند به بخش مهمی از راهبردی زنجیره تأمین ایالات متحده بوده و همچنین مستلزم ایجاد روابط دفاعی قوی با هند، گسترش دسترسی این کشور به فنآوری‌های جدید و نوآورانه و افزایش اشتراک اطلاعات است. به‌علاوه، ایالات متحده نسبت به خیزش هند از انتقادات خارجی بسیار حساس تر شده و در نتیجه، دولت بایدن نه تنها از اظهار نظر در مورد نگرانی‌های مربوط

## فریدون عباسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از پاسخ ایران به اقدامات تروئیکای اروپایی گفت

# باید پروژه‌های بزرگ هسته‌ای تعریف کنیم

**سیدآزاده عباسی**
**خبرنگار**

چندروپوش خبرگزاری رویترز گزارش داده‌سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان- موسوم به تروئیکای اروپایی- در نامه‌ای به دبیرخانه شورای امنیت سازمان ملل متحد از آمادگی خود برای فعال کردن مکانیسم ماشه (استپ‌بک) خبر دادند. این مکانیسم فرایندی است که به طرف‌های مقابل برجام این امکان را می‌دهد که در صورت بروز اختلاف در خصوص نحوه اجرای این توافق، تحریم‌هایی را که به‌واسطه قطعنامه ۲۲۳۱ تعلیق شده‌است، طی فرایندی مجدداً تحیا کنند. وجود این بند در برجام از همان ابتدا با انتقاد بسیاری از کارشناسان هسته‌ای و سیاسی همراه بود و به‌نوعی اساساً از مهم‌ترین دلایل منتقدان برجام برای انتقاد به این توافق به حساب می‌آید. این سه کشور علی‌رغم تمام اقدامات اعتمادساز جمهوری اسلامی، چندی پیش هم در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اقدامی به صدور قطعنامه خصمانه‌ای علیه کشورمان کردند. در همین راستا «فرهیختگان» با فریدون عباسی، رئیس اسبق سازمان انرژی اتمی گفت‌وگو کرده‌است. وی در این گفت‌وگو به تحلیل چرایی صدور قطعنامه اخیر شورای حکام و نحوه واکنش جمهوری اسلام‌ی به رویکرد آژانس و نیز ریشه‌یابی مکانیسم ماشه و چگونگی مواجهه با آن پرداخت.

عباسی پیشینه هسته‌ای و مشکلاتی که متعاقب آن پیش آمده‌است را در مذاکرات ۴۸۲ تا ۴۸۴ نشست ویرا تأکید بر این کشور برای انتقاد به این قبیل قطعنامه‌ها اتفاق تازه‌ای نیست، گفت: «در فاصله سال‌های ۸۲ تا ۸۴ تیم مذاکره‌کننده ایران با مسئولیت دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت -آقای حسن روحانی- مذاکراتی را بر مبنای نظریه «تش‌زدایی» انجام داد، البته ناقلی ما از نیت آن‌ها مثبت است و معتقدیم با نیت خیر این رویکرد را دنبال می‌کردند. اما این آقایان بر این اساس مواردی را که سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان می‌خواستند، قبول می‌کردند و تأسیسات هسته‌ای ما دائماً پلمب و فعالیت‌های ما چه در تولید سوخت و چه در تولید سانتریفیوژ تعلیق می‌شد. اما آن‌ها حد یقنی نداشتند و هرگاه ما در مذاکرات یک عقب‌نشینی را قبول می‌کردیم و مشخص‌نمودیم خودمان را معطل می‌گذاشتیم، آن‌ها پیش‌تر نوس یک قطعنامه را به شورای حکام آژانس می‌دادیم و همیشه هم تصویب می‌شد. در آن دو سال ما هفت قطعنامه «گرفتیم».

وی افزود: «متأسفانه این جریان سیاسی که مبنای حرکتش نظریه «تش‌زدایی» بود حاضر به پذیرش این امر نبود که راهی که در پیش گرفته اشتباه است، آن‌ها نظریه «مقاومت» و «تهدیدزدایی» را نمی‌پذیرفتند. در برابر دیدگاه «تش‌زدایی» دیدگاه دیگری مطرح است که معتقد است ما باید «تهدید» را بر طرف کنیم، نه اینکه دنبال «تش‌زدایی» باشیم».

رئیس اسبق سازمان انرژی اتمی بیان اینکه مازوی این مسائل نظری همیشه مشکل داریم، به‌توضیح: «هرگاه این دیدگاه دولت را در دست گرفته‌بسمت تش‌زدایی» رفته و بعضاً ابایی از آن نداشته که دستاوردهای نظام را بدهد و از ای آن یک «مشکلات گاززده» بگیرد. کاری که سال ۹۲ کردند، همین بود.»

عباسی ادامه داد: «امروز هم همان تکرار زمام امور را در دست گرفته و بر مبنای «نظریه

به‌وضعیت دموکراسی در هند خودداری می‌کند، بلکه نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، را در صحنه جهانی تقویت کرده و در موارد متعدد به‌شدت مورد تمجید قرار می‌دهد.

اما واشنگتن باید سیاست خارجی هند را با دقت بیشتری مطالعه کند. این سیاست خارجی حائز سه ویژگی است؛ استقلال، انتظارات و حفظ خود. استقلال ناشی از سیاست معروف عدم‌تعهد هند است که توسط جواهر لعل نهرو، اولین نخست‌وزیر این کشور، به‌عنوان راهی برای دوری از رقابت جنگ‌سردی ایالات متحده و شوروی پیش‌بینی شده بود. امروز نیز دولت هند از این سیاست به عنوان «خودمختاری راهبردی» یاد می‌کند و معنای آن کسب بیشترین دستاوردهایری هند بدون توجه به ایدئولوژی‌های وابستگی‌های دولت‌های دیگر است. انتظارات هند نیز از ۲۰۰ سال حکومت بر بنیائیان آن ناشی می‌شود. هند معتقد است که این تجربه برای دهلی نوبه قیمت از دست رفتن ثروت و جایگاه تمام‌شاد و اکنون مصمم است هم از سلطه یک قدرت امپریالیستی دیگر بر خود اجتناب کند و هم حق خود را از جهان به دست آورد. حفظ خرد نیز ناشی از چالش مدیریت یک کشور بسیار پیچیده و متنوع است؛ اصلی که نیاز مند اولویت دادن به سیاست داخلی بر سیاست خارجی است.

این ویژگی‌ها را می‌توان به درجات مختلف در رویکرد فعلی هند به نظم بین‌المللی مشاهده کرد. مثلاً کافی است جنگ اوکراین را در نظر بگیریم. هند از محکوم کردن روسیه به خاطر تهاجم به اوکراین و یا تجاوزکارانه خواندن آن امتناع کرده‌است. این امر تا حدی محصول عدم‌تعهد هند، روابط نزدیک این کشور با اتحاد جماهیر شوروی سابق و بی‌بی‌دهلی به طرف‌داری از یکی از دو طرف روسیه با غرب است؛ اما در عین‌حال از این واقعیت هم‌نشست می‌گیرد که بسیاری از مقامات هندی با دعاهوی ارضی روسیه موافق بوده و معتقدند که روسیه باید در برابر گسترش ناتو در مرزهای آن دست به اقدام می‌زد. این واقعیت هم که اوکراین یک دموکراسی است که از سوی یک کشور اقتدارگرا مورد هجوم قرار گرفته است، بی‌ربط محسوب می‌شود. هند هرگز در هیچ مقطعی از تاریخ خود از دموکراسی با آرزمان‌های دموکراتیک در خارج از کشور دفاع نکرده است. علاوه بر این، نظرسنجی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد ۵۷ درصد از هندی‌ها دیدگاه مساعدی نسبت به روسیه دارند و ۵۹ درصد به پوتین اعتماد دارند.

هر اشاره‌ای حاکی از اطاعت دولت مودی از فشارهای وارد شده از سوی آمریکا درباره روسیه، با نارضایتی گسترده داخلی مواجه خواهد شد. در همین حال، رویکرد هند به تجارت و سازمان تجارت جهانی ثابت می‌کند که این کشور همیشه هم خود را با منافع جنوب جهانی همسو نمی‌کند؛ گروهی که دهلی مدعی رهبری آن است اما در واقعیت، اغلب اعضای آن را به خشم می‌آورد. در سیزدهمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی که در فوریه امسال برگزار شد، هند سبب منحرف شدن بسیاری از مباحث گشت. مثلاً گفت‌وگوها درباره مسئله کشاورزی به این دلیل شکست خورد که هند خواستار الحاق یک بند دائمی برای محافظت از خود در برابر عواقب قانونی ایجاد ذخایر برنج برای خود بود. مطابق با اعلام «موسسه هاینریش»، بسیاری از شرکای تجاری هند معتقدند که دهلی نو ذخایر برنج خود را در حقیقت صادر می‌کند. تا اینکه علناً در این کنفرانس مدعی شد که هند ۴۰ درصد از ذخایر داخلی برنج خود را [این برنج‌ها باید برای فقرای هندی مورد استفاده قرار گیرند] صادر می‌کند. شدت این حادثه چنان داغ شد که بنا به اعلام روزنامه «تایمز آو ایندیا» پیش‌گوربال، وزیر بازرگانی هند، از شرکت در هر نشستی که سفیر تایلند در سازمان تجارت جهانی در آن حضور داشت، خودداری کرد. هند همچنین با امتناع از ممنوعیت پرداخت پزانه برای مابه‌گیری در آب‌های سرزمینی، کشورهای جزیره‌ای قیائونس آرام و کشورهای جنوب شرقی آسیا را بر سر خشم آورد.

### آتش دوستانه

اما شاید هیچ حادثه‌ای بهتر از بحران ایجادشده در روابط کانادا و هند نشانگر اصول سه‌گانه استقلال، انتظارات و حفظ خود هند نباشند. در سپتامبر ۲۰۱۳، جاستین ترودو، نخست‌وزیر

کانادا، هند را به ترور یک شهروند سبک‌کامانایی، هاردیپ سینگ نجار، در بریتیش کلمبیا متهم کرد. اندکی بعد، آئی بی اچ هم ادعا کرد که توطئه مشابهی را که از سوی یک مقام دولتی هند علیه یک شهروند آمریکایی سبک در نیویورک سازمان‌دهی شده بود، خشی کرده است. هر دو حادثه باعث ایجاد تنش بین غرب و هند شد؛ اما پرونده کانادا به‌طور ویژه پر تنش شده‌است. در ماه اکتبر، دولت کانادا شش دیپلمات هندی را با این ادعا که آن‌ها علاوه بر توطئه برای قتل سینگ نجار، یک عملیات سرتاسری برای آزار و آذیت، اخذی و حتی قتل چند کانادایی هندی الاصل دیگر راهم طراحی کرده‌اند، از خاک خود اخراج کرد. توجیحات هند شمشل بر این موارد بوده‌است که دیاسپورای سبک در یک جنبش جدایی‌طلبانه خشونت‌آمیز نقش دارد، اعضای آن به‌طور مرتب آشکارا دیپلمات‌های هندی را به قتل تهدید می‌کنند، نجار از سوی اینترپل تحت تعقیب بود و ترودو برای جذب آرای سبک‌ها مدت‌هاست که نگرانی‌های هند را نادیده گرفته‌است؛ اما حتی با توجه به این نگرانی‌ها هم اقدامات دهلی نو غیر عادلانه به نظم می‌رسد. تلاش برای تشکیل یک سرزمین جداگانه برای سبک‌ها به یک حاصلخاست نام‌داد-دهه‌هاست که یک نگرانی امنیتی واقعی در هند به شمار نمی‌رود؛ زیرا تقریباً به‌طور کامل منحصر به دیاسپورای هندی است و در داخل سبک‌ها یک جامعه به حاشیه رانده شده نیستند؛ بلکه افراد با نفوذی هستند که در بالاترین سطوح دولتی حضور دارند. اگر این اتهامات صحیح باشند، نشان می‌دهند که هند انحراف بی‌سابقه‌ای از هنجارهای قبلی خود داشته‌است؛ زیرا هرگز پیش‌تر از این سابقه نداشته‌است که هند در یک کشور خارجی دست به ترور بزند، آن هم در قلمرو حاکمیتی یکی از شرکای خود.

منتقدان هند ادعای کندکنداین توطئه‌ها حاکمی را کیفیت‌منحصر‌بفرد غیر لیبرال‌دولت مودی است؛ اما هند، صرف‌نظر از چیزی که در قدرت است، همواره جنبش‌های جدایی‌طلب را به‌شدت سرکوب کرده و در این مسیر گاهی از اقدامات فراترونی هم استفاده کرده‌است. اصرار هند بر استقلال بدون توجه به ایدئولوژی و وابستگی و نگاه آن به حفظ خود، به این معنی است که حاضر است حتی در داخل مرزهای شرکای دموکراتیک خود برای خشی کردن هرگونه نشانه‌ای از تهدید برای ثبات سیاسی داخلی خود اقدام کند. دهلی نوبه‌ویژه اکنون مایل به انجام این کار است؛ زیرا خود را به عنوان یک قدرت در حال خیزش غیرقابل چشم‌پوشی می‌بیند که از سوی ایالات متحده نیز مورد لطف قرار دارد. حتی برخی از هندی‌ها از قتل اسامه بن لادن توسط ایالات متحده به عنوان سابقه و روی‌امی برای این اقدام یاد می‌کنند؛ زیرا در آن مورد نیز یک کشور قدرتمند در راستای منافع خود برای از بین بردن یک تهدید تروریستی عمل کرد. با این حال، این مدافعان توجهی به این نکته ندارند که ایالات متحده هرگز پاکستان را شریک نزدیک خود نمی‌دانست و کمبود اعتمادشدیدلی بین این دو وجود داشت. هنده به عوارقب بین‌المللی کشف و افشای توطئه‌هایش توجه چندانی نمی‌کند.

### سه قطبی

اینکه هند در نهایت بتواند به مقام یک قدرت بزرگ برسد یا خیر نامشخص است. این کشور با موانع زیادی از جمله بیکاری مداوم، کمبود کارگران ماهر، عدم تعادل شدید جنسیتی در بین نیروی کار و توسعه نابرابر در علم، فناوری، زیرساخت‌ها و تولید مواجه است؛ اما صرف‌نظر از اینکه هند به یک ابرقدرت واقعی جهانی تبدیل شود یا خیر، دهلی قطعاً می‌تواند با کمک ایالات متحده حداقل به عنوان قطب سوم عمل کند؛ البته نه در جایگاهی برابر با چین و ایالات متحده؛ بلکه با بر خورداری از قدرت قابل توجهی در سراسر منطقه هند-آرام و مقدر زیادی نفوذ در فراتر از این منطقه. چنین هندی از برخی از هنجارهای نظم بین‌المللی مطابقت خواهد کرد؛ اما فقط برخی از آن‌ها. این کشور با قدرت‌های موجود در برخی زمینه‌ها همکاری خواهد داشت، اما حوزه‌های دیگر را خود را خواهد رفت؛ بسیاری که بعضاً به بهت و حیرت چین، ایالات متحده یا هر دو آن‌ها خواهد انجامید. ما در این شرایط و به‌جز مواردی که مرتبط با افزایش نفوذ چین نباشند، سخن چندانی درباره دموکراسی،

نهادهای لیبرال یا دوستی وفادارانه نخواهیم شنید.

یک رابطه سه‌قطبی بین چین، هند و ایالات متحده با عدم اطمینان و نوسان دائمی مواجه خواهد بود. مثلاً کافی است رابطه بین دو کشور اول را در نظر بگیریم. کمبود اعتماد بین هند و چین زیاد است؛ امری که یکی از دلایل آن اختلافات ارضی است. در نوامبر، زمانی که مودی‌وشی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، برای اولین بار از سال ۲۰۲۰ با یکدیگر ملاقات کردند، دیدار آن‌ها چندان گرم نبود. هند اعلام کرد قصد دارد یک آسیا و جهان چندقطبی بسازد؛ در حالی که چین آشکارا از این کار خودداری کرد. ظاهر آن چین درباره هند نگاهی کوته‌بینانه دارد؛ زیرا این واقعیت را نادیده می‌گیرد که هند قبل از هر چیزی به نفع خود و بدون توجه به عواقب اقداماتش برای شرکای خود عمل می‌کند. چین به‌اشتباه معتقد است که مواضع سیاست خارجی دهلی نوبه نتیجه نفوذ ایالات متحده است؛ در حالی که مثلاً این واقعیت که هند دیگر به «چین واحد» اشاره نمی‌کند یا تعامل اقتصادی با تایوان را تعمیق کرده‌است، اقداماتی کاملاً مستقل از ایالات متحده به شمار می‌روند.

البته دهلی نو و واشنگتن قراردادهای دفاعی بسیار اساسی را با یکدیگر منعقد کرده‌اند که همکاری نظامی بین دو کشور را افزایش می‌دهد؛ اما این دو دولت پیوند چندان وثیقی با یکدیگر ندارند-واقعیتی که در صورت بروز یک بحران نظامی آشکار خواهد شد. مثلاً جنگ با این‌بست در تنگه تایوان می‌تواند این رابطه را به‌یوه‌ای به‌شدت مایکشد. پاسخ این سؤال مشخص نیست که آیا هند به درخواست واشنگتن برای ارائه حمایت لجستیکی در صورت وقوع جنگ از سوی چین یا حمایت دیپلماتیک از تحریم پاکن پاسخ مثبت خواهد داد یا خیر؛ به‌یوه‌زمانی که چین و هند در حال کار بر روی حل و فصل اختلافات مرزی خود هستند.

البته ایالات متحده باید با دهلی نو درباره بسیاری از منافع مشترک همکاری کند. این دو کشور می‌توانند برای مقابله با تهدید مشترکی که از جانب چین با آن روبرو هستند با یکدیگر مشارکت کنند. هند همچنین بازار بزرگی برای سرمایه‌گذاری و کالاهای ایالات متحده دارد. به‌علاوه، هند و ایالات متحده، با وجود برخی عقب‌نشینی‌ها، هر دو دارای نهادهای دموکراتیک هستند. دهلی نو همچنین منابع خاصی را در اختیار واشنگتن قرار می‌دهد که اکثر شرکای دیگر این کشور از آن برخوردار نیستند. هند تنها عضو اقیانوس هندی کواد است و بنابراین کلید همه راهبردهای ایالات متحده در منطقه هند-آرام به‌شمار می‌رود. دهلی نو همچنین در جنوب جهانی از نفوذ برخوردار است. اما هند حل حاضر به ایالات متحده نیاز دارد و همین امر سبب شده‌است تا واشنگتن برای تصمیم‌گیری درباره مشروعیت‌بخشیدن یا سمانعت از خیزش هند انتخابات‌هایی داشته باشد. مثلاً ایالات متحده در حال سر مایه‌گذاری در زیرساخت‌های صنعت نیمه‌هادی این کشور برای تنوع بخشیدن به زنجیره‌های تأمین و دور کردن آن‌ها از چین است؛ اما اگر ایالات متحده موافق صادرات این نیمه‌هادی‌ها در آینده به روسیه نباشد [جمله‌حالت کنایی دارد]، باید با هند در زمینه تدوین یک رویکرد هماهنگ در قبال کنترل صادرات مطمئن همکاری کند. به‌علاوه، دهلی یکی از شرکای دفاعی اصلی ایالات متحده و بازاری برای تسلیحات و فناوری واشنگتن است؛ اما واشنگتن باید مراقب باشد که چگونه به موضوع استفاده دوگانه از فناوری و همچنین مالکیت معنوی بر خورد می‌کند. ایالات متحده نیاز به اتخاذ تدابیر حفاظتی دارد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه هند در حال حاضر، به همراه چین، روسیه و ونزویلا، در فهرست اولویت نظارتی ایالات متحده در حوزه اجراء و حفاظت از حقوق مالکیت معنوی قرار دارد. در حال حاضر، اعمال هر نوع محدودیت‌برای همکاری‌ها باند ممکن است در بهترین حالت زودرس و در بدترین حالت دارای نتایجی معکوس به نظر برسد؛ اما با توجه به ویژگی‌های سیاست خارجی هند، واشنگتن باید راهبردی برای مدیریت دهلی نو ترسیم کند-صرف‌ناظر از میزان دفعه‌ه‌واشنگتن در باره پاکن- در غیر این صورت، ایالات متحده نه تنها با خطر عقب ماندن در آسیا روبرو خواهد شد؛ بلکه این خطر وجود دارد که به کلی کنار گذاشته شود.

## فره‌یختگان

# فره‌یختگان

نداشتیم‌باشیم، محلی‌برای تحقیق نیرو‌هایی که تشنه‌کلام علمی هستند، نداریم و مطمئناً این مهاجرت فکر از کشور بیشتر خواهد شد. پس آن‌هایی که سنگ برجام به سینه می‌زنند یا دنبال اینند که ما برویم با کشور‌های غربی مذاکره کنیم، در جهت تضعیف توان علمی کشور گام بر می‌دارند و متأسفانه دیدگاه‌های سیاسی و بعضاً سکولار آن‌ها بر منافع ایران غلبه می‌کند.»

نماینده پیشین مجلس درواکنش به این موضوع که برخی به‌جای آن‌که از امضاء کنندگان برجام بابت وجود چنین‌بندی در این توافق مطالبه‌پاسخ داشته باشند، سعی دارند تصمیم اروپایی‌ها برای فعال کردن مکانیسم ماشه را به‌نحوی متوجه قانون‌اقدام راهبردی مجلس کنند، گفت: «تصویب قانون اقدام راهبردی در مجلس در پاسخ به این بود که دولت وقت درازای عمل به تکلیف کشور‌های غربی و خارج شدن آمریکا از برجام هیچ حرکتی نمی‌کرد، یعنی متن برجام خسارت بار آن‌قدر برای او مقدس بود که اصلاً هیچ موضع‌گیری و اقدامی نمی‌کرد، به این ترتیب مجلس وارد عمل شد و این قانون را تصویب کرد.»

وی افزود: «ممکن است این قانون در مواردی هم کاستی‌هایی داشته باشد، حتی خود من هم تا حدی منتقد آنم، اما به این دلیل که یک جاهایی محکم نوشته نشده بود و اگر آن جملات تصحیح می‌شد دولت نمی‌توانست در اجرای آن تأخیر بیندازد.»

عباسی با بیان اینکه از آنجا که بعضاً دولت‌ها قوانین را اجرائی می‌کنند و پاسخی هم به قوه قضائیه نمی‌دهند، در اینم قانون حتی مجازات هم کنجنا شده‌است، تأکید کرد: «اینکه می‌گویند قانون مجلس شصت‌گانه این موضوع شده‌است درست نیست.»

وی با اشاره به اصرار برخی افراد و جریان‌ها بر رویکرد «تش‌زدایی» با دیگر تصریح کرد: «اینکه‌عده‌ای می‌خواهند با درپیش گرفتن سیاست تش‌زدایی همه چیز را گذار و کنند و تصور می‌کنند از این‌راه به نتیجه می‌رسند اشتباه است. اتفاقاً این رویکرد است که طرف مقابل را در تداوم مسیرش مصمم می‌کند. مسئله این است که تش‌زدایی جواب نمی‌دهد، باید به دنبال بر طرف کردن تهدید بود، اگر تهدید را بر طرف کنید دیگر نشی وجود نخواهد داشت.»

این دانشمند هسته‌ای تأکید کرد: «در طرف مقابل به مؤلفه‌های قدرت شما نگاه می‌کنند و با شما بر مبنای مؤلفه قدرت مذاکره می‌کنند، نه براساس پیام ضعفه. به این دلیل است که در مذاکره بر مبنای تش‌زدایی همیشه مجبورید عقب نشینی کنید، چون طرف مقابل چیزی به شما نخواهد داد. اما فقط آمده از کشور ایران چیزی بگیرد و اگر شما مؤلفه‌های توانمندی علمی خودتان را کنار بگذارید، نه می‌توانید تولید ثروت کنید که اقتصاد را درست کنید، نه می‌توانید از خودتان دفاع کنید. پس آن‌ها وقتی که توانمندی علمی کشور را به بهانه‌های مختلف هسته‌ای و موشکی هدف قرار می‌دهند، در اصل اقتصاد و توان دفاعی کشور را هدف قرار می‌دهند و اگر این توانمندی‌ها را نداشته باشید چیزی ندارید که در مقابل دیگران عرض‌اندام کنید و توانید استقلال سیاسی و استقلال ژئومونیک داشته‌باشید. ما مهاجرت اقتصادی خودتان را حفظ کنید، پس اگر می‌بینید با قانون اقدام راهبردی مخالفت می‌شود بیشتر به خاطر جریان رویکرد غلطی است که در برجام در پیش گرفته بودند و این جماعت از سال ۸۲ تا امروز ۲۱ سال است که بر این طبل می‌کوبند و متأسفانه رسانه‌ها راهم در اختیار دارند.»

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۳  
شماره ۴۳۰۸

FARHIKHTEGAN DAILY.COM

FARHIKHTEGAN ONLINE

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان

# فره‌یختگان